

۵۲۲

جرعه‌ای از زلال وحی

پیام‌های آسمانی (۱)

میرصادق سید نژاد

راه‌های پیروزی بر مشکلات

شکیبایی و یاری خواهی از خداوند دو راهکار اساسی برون رفت از سختی‌هاست. امام علی علیه السلام در تبیین ثمره صبر سخنان گهرباری دارند: «با صبر است که به خواسته‌ها رسیده می‌شود»؛^۱ «هر کس بر مرکب صبر نشیند، به خط پایان پیروزی رسد»؛^۲ «آدم شکیبا سرانجام کامیاب می‌شود؛ هر چند بعد از زمانی دراز باشد»؛^۳ «صبر، ضامن پیروزی است».^۴ درباره نقش عبادت به ویژه نماز در برطرف شدن گرفتاری‌ها، توجه به این حقیقت کافی است که بر اساس روایات، هرگاه مشکلی برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیش می‌آمد، آن حضرت از نماز، روزه و... مدد می‌گرفت. قرآن کریم در یک مورد سفارش می‌کند که: «از صبر و نماز یاری جوید و این کار جز برای خاشعان گران است».^۵ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که مشکل مهمی برای علی علیه السلام پیش می‌آمد، به نماز بر می‌خاست. سپس آیه پیش گفته را تلاوت می‌کرد».^۶ امام صادق علیه السلام به دوستان خود سفارش می‌کرد که: «وقتی با غمی از غم‌های دنیا روبه‌رو شدید، وضو سازید و به مسجد بروید و نماز بخوانید و دعا کنید؛ زیرا خداوند دستور داده است از نماز و صبر یاری جوید».^۷

عمل به همه فرمان‌های الهی

احکام الهی، کامل‌ترین برنامه هدایت و کمال‌یابی انسان‌هاست. این احکام وقتی مفید است که به طور کامل مورد توجه افراد باشد و به تمام اجزای آن به صورت شایسته عمل شود. یکی از سرزنش‌های قرآن کریم به قوم یهود این است که این قوم احکام کوچک‌تر و همین‌طور آن

۲. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۸ ح ۲.

۴. غرر الحکم، ش ۷۶۰.

۶. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۱۹.

۱. غرر الحکم، ش ۴۲۲۷.

۳. مشکاة الانوار، ص ۲۲.

۵. بقره: ۴۵.

۷. همان.

۲۴۹۵

دسته از فرمان‌های الهی را که با منافع شخصی‌شان تعارضی نداشت رعایت می‌کردند، ولی از اعمالی که برخلاف منافع دنیوی آنها بود سرباز می‌زدند. غافل از آنکه تبعیض در اجرای قوانین، نشانه نافرمانی و ضعف ایمان است. به تعبیر دیگر، اثر ایمان و تسلیم آنجا ظاهر می‌شود که قانونی بر ضد منافع شخصی انسان باشد، ولی انسان آن را محترم بشمارد؛ و گرنه عمل به فرمان‌های الهی آنجا که به نفع آدمی است، نشانه ایمان نیست. قرآن کریم هشدار می‌دهد که جزای کسانی که چنین تبعیضی را در مورد احکام الهی روا دارند، جز رسوایی در زندگی دنیا و دچار شدن به شدیدترین عذاب در روز رستاخیز نخواهد بود.^۱

گناه و گرفتاری

گناهان، مانع استجاب دعا و سبب دگرگونی نعمت‌ها، کوتاهی عمر، سلب آرامش روحی و روانی و گرفتاری‌های دیگر می‌شوند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند نعمتی را از بنده‌ای نمی‌گیرد، مگر آنکه او گناهی مرتکب شود و به سبب آن سزاوار باز پس‌گیری نعمت گردد».^۲ امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «قسم دروغ و قطع ارتباط خویشاوندی خانه‌ها را ویران می‌کند و خالی از اهل و خانمان می‌گرداند».^۳ امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت می‌فرمود: «پناه می‌برم به خدا از گناهانی که در نابودی شتاب می‌ورزد، مرگ‌ها را نزدیک می‌سازد و خانه‌ها را بی‌خانمان می‌کند و آنها عبارت‌اند از: قطع رحم، آزردن پدر و مادر (عقوق والدین) و دست کشیدن از نیکی کردن».^۴ قرآن کریم نیز ضمن اشاره به قبح گناهان و گرفتاری‌های ناشی از آنها می‌فرماید: «آنها را به سبب گناهانشان نابود کردیم».^۵ نیز در آیه‌ای دیگر آمده است: «این خانه‌های آنهاست که به دلیل ستمشان خالی مانده است».^۶

دنیا برای آخرت

در آموزه‌های دینی، از دنیا به عنوان وسیله نیل به کمال و مقدمه برای رسیدن به آخرت یاد شده است. از این حقیقت، با تشبیهاتی چون دنیا، پل آخرت،^۷ دنیا، سرای گذر،^۸ دنیا،

۱. نک: بقره: ۸۵.

۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۶.

۳. اصول کافی، ج ۴، ص ۱۸۴.

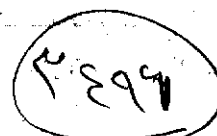
۴. نمل: ۵۳.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳ و حکمة ۱۳۳.

۳. کيفر گناه، ص ۱۹۶.

۵. انعام: ۶.

۷. خصال، ص ۶۵.



مهمان‌سراست نه منزل نهایی^۱ و... یاد می‌شود. نیز تأکید می‌گردد که: «در دنیا بیش از احتیاج نجوید و بیش از کفاف نخواهید». ^۲ دنیا، سرای خوبی است برای کسی که آن را خانه همیشگی خود نداند و از آن، فقط به عنوان کشتزار آخرت بهره‌برداری کند. ^۳ اما غرق شدن در زرق و برق دنیا بسیار نکوهیده دانسته شده و دنیا دوستی منشأ هر گناهی معرفی گردیده است. ^۴ قرآن کریم اشاره می‌کند که: «گرفتاران دائمی جهنم کسانی هستند که آخرت را به دنیای فانی فروختند و در نتیجه این کار، نه از عذاب آنها کاسته خواهد شد و نه کسی به یاری آنان برخواهد خاست». ^۵ در پنجاهای لقمان حکیم به فرزندش آمده است: «ای فرزند! دنیایت را به آخرت بفروش که در این صورت هر دو را به دست خواهی آورد، ولی آخرت را به دنیا بفروش که هر دو را از دست خواهی داد». ^۶

خداپرستی، نردبان آسمانی

از نگاه قرآن، سربلندی و برقراری ملت‌ها در گرو تکیه بر قدرتی است که نابودی هرگز در او راه ندارد. اگر چنین کنند، از هیچ‌کس ترس و وحشتی نخواهند داشت و پیداست چنین قدرتی جز آفریدگار بزرگ نیست. با توجه به این حقیقت است که قرآن کریم می‌فرماید: «ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنند». ^۷ در این صورت، ماندگاری امت آنها تضمین خواهد شد؛ ولی چون آنها از این پیمان الهی سرپیچی کردند، به عذاب دنیوی و اخروی افتادند. ^۸ علت این است که: «خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند و آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی رهنمون می‌شود. اما کسانی که کفر ورزیده و از خداپرستی اعراض کردند، آنان را از روشنایی به سوی تاریکی سوق می‌دهد. پس آنان نه تنها در دنیا دچار انحطاط می‌شوند، بلکه در آخرت هم گرفتار آتش همیشگی خواهند شد». ^۹

تفرقه، عامل شکست

برای بقا و تداوم حیات امت، هم‌بستگی بر محور احکام و ارزش‌های الهی بسیار ضروری است. سفارش به پرهیز از تفرقه و پیروی از راه‌های دیگر غیر از صراط مستقیم که در

۱. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۸۷، ح ۱۰.

۲. عوالی اللالی، ج ۱، ص ۲۶۷.

۳. بقره: ۸۶.

۴. بقره: ۸۳.

۵. بقره: ۲۵۷.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۴۵.

۷. تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲.

۸. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۲۲، ح ۱۷.

۹. بقره: ۸۵.

سرتاسر قرآن به آن برمی‌خوریم، حکایت از این امر دارد. خداوند در یک مورد پس از معرفی راه مستقیم الهی می‌فرماید: «این راه راست است؛ از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر که موجب تفرقه و پریشانی‌اند روی برگردانید و جز از راه خدا متابعت نکنید. این سفارش خدا به شماست؛ باشد که پرهیزکار شوید»^۱. همچنین قرآن کریم ضمن اشاره به محور اصیل اتحاد و هم‌بستگی می‌فرماید: «از خدا و رسولش پیروی کنید و با هم نزاع نکنید که دچار سستی شده، ابهتتان از بین می‌رود»^۲. رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «با هم اختلاف نکنید که پیشینیان شما دچار اختلاف شدند و نابود گشتند»^۳.

نیکی به پدر و مادر

در آموزه‌های قرآن کریم، نیکی به پدر و مادر در ردیف پرستش خداوند متعالی ذکر شده و آمده است: «پروردگارت به تو فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آنها یا هر دو نزد تو به سن پیری برسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو و همیشه پر و بال فروتنی و بخشش را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو پروردگارا! چنان که پدر و مادر مرا از کودکی به مهربانی پرورند، تو در حق آنها رحمت و مهربانی کن»^۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم می‌فرماید: «خشنودی پدر و مادر، رضای خداوند است و خشم الهی در غضب پدر و مادر است»^۵. اهمیت این وظیفه تا آنجا است که اگر پدر و مادر از نظر اعتقادی هم با فرزند تفاوت داشته باشند، باز باید احترام به آنها را به صورت کامل به جای آورد. مردی بر امام صادق علیه السلام عرض کرد: پدر و مادری دارم که مذهب آنها با من فرق می‌کند، با آنها چه کنم؟ حضرت فرمود: «همان‌طور که با دوستان ما به نیکی و محبت رفتار می‌کنی، به آنها نیز محبت کن»^۶.

یتیم‌نوازی

در اسلام توصیه‌های فراوانی درباره یتیم و حقوق او شده است. روش پیشوایان اسلام در مورد یتیمان، بهترین درسی است که باید مورد توجه همه مسلمانان قرار گیرد. علی علیه السلام در

۱. انفال: ۴۶.

۲. انعام: ۱۵۳.

۳. کنز العمال، ح ۸۹۴، علل انحطاط و سقوط جوامع از دیدگاه قرآن، ص ۷۳.

۴. اسراء: ۲۳ و ۲۴.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۷.

۶. جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۶۰.

دوران زندگی و نیز در وصیت‌نامه خویش، همواره یتیمان را مورد توجه قرار می‌داد. در قرآن کریم هم به مناسبت‌های مختلف، بر رسیدگی به این قشر و حفظ حقوق آنها تأکید شده است؛ نیکی کردن به یتیم‌ها^۱ و پرهیز از دست درازی و تصرف ظالمانه مال آنها، از جمله این فرمان‌هاست. خداوند درباره کیفر خوردن مال یتیم در آیه‌ای می‌فرماید: «کسانی که اموال یتیم‌ها را به ستم می‌خورند، در حقیقت آتش می‌خورند و طولی نخواهد کشید که گرفتار دوزخ خواهند شد».^۲

رسیدگی به مستمندان

یاری رساندن و احترام کردن به مستمندان، از جمله مهم‌ترین وظایف مردم جامعه اسلامی است که در آموزه‌های دینی بسیار به آن سفارش می‌شود. علت این است که بعضی‌ها به دلیل از کار افتادگی، سوانح، سالخوردگی و... نمی‌توانند نیازهای خود را تأمین کنند. در چنین وضعیتی، بر همه افراد به ویژه قدرتمندان لازم است به افراد نیازمند رسیدگی کنند. در آموزه‌های دینی نیز وظایف مالی و غیر مالی فراوانی با هدف کمک به مستمندان پیش‌بینی شده است؛ نظیر: زکات، خمس، انفاق و قرض دادن. دستور کلی قرآن در این باره این است که به مستمندان نیکی کنید.^۳ امیر مؤمنان علیه السلام هم می‌فرماید: «کسی که از ثروت خدا به نیکوکاری و انفاق در راه خدا بپردازد، خداوند در این جهان مخارجی را که کرده جبران می‌کند و در آخرت نیز پاداش دیگری به او می‌بخشد».^۴

سزای سرپیچی از قبول حق

رهبران الهی، همواره با افرادی روبه‌رو بودند که در برابر ابلاغ رسالت آنها اشکال تراشی می‌کردند و خود را ناتوان از درک پیام‌های پیام‌آوران نیک‌بختی می‌دانستند. در تاریخ آمده که یهود مدینه در برابر تبلیغات رسول اکرم صلی الله علیه و آله ایستادگی می‌کردند و از پذیرفتن دعوت ایشان امتناع می‌ورزیدند. آنها هر زمان برای شانه خالی کردن از زیر بار دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله بهانه‌ای می‌آوردند. در آیه‌ای در این باره می‌خوانیم: «آنها می‌گفتند: دل‌های ما در حجاب و غلاف است و آنچه بر ما می‌خوانی، نمی‌فهمیم».^۵ قرآن در پاسخ این سخن

۲. نساء: ۱۰.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۳.

۱. بقره: ۸۳.

۳. بقره: ۸۳.

۵. بقره: ۸۸.

مسخره‌آمیزشان می‌فرماید: «مطلب همان است که آنها می‌گویند؛ زیرا به واسطه کفر و نفاق، دل‌های آنها در حجاب‌هایی از ظلمت و گناه و کفر قرار گرفته و خداوند آنها را از رحمت خود دور داشته است». نیز در آیه دیگر می‌فرماید: «این به واسطه آن است که خداوند در اثر کفرشان مُهر بر دل‌هایشان نهاده است».^۱

نکوهش خودپسندی

یکی از ویژگی‌های نکوهیده آدمی، از خود راضی بودن است که بر اساس آموزه‌های دینی، از نقصان عقل سرچشمه می‌گیرد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «خودپسندی، دلیل نقص و کوتاهی عقل است. کامل عقلمان، هرگز دچار خودپسندی نمی‌شوند».^۲ این صفت، از بدترین حالت‌های روانی انسان است که بسیاری از زشتی‌های آدمی را آشکار می‌سازد.^۳ از بررسی تاریخ قوم یهود چنین برمی‌آید که آنها خود را نژادی برتر می‌دانستند. قرآن کریم فراوان به این مطلب اشاره می‌کند و می‌فرماید که یهودیان می‌گفتند: «ما فرزندان و دوستان خاص خدا هستیم»^۴ یا «آنها گفتند کسی در بهشت داخل نمی‌شود مگر اینکه یهودی یا نصرانی باشد»^۵ و «آتش دوزخ جز چند روزی به ما اصابت نخواهد کرد».^۶ این پندارهای موهوم، از یک‌سو آنها را به ظلم و جنایت و گناه و طغیان کشاند و از سوی دیگر، آنان را دچار خودپسندی و خودبرتربینی کرد. قرآن کریم در پاسخ آنها می‌فرماید: «اگر واقعاً حقیقت آن‌گونه است که می‌گویید، آرزوی مرگ کنید تا به جوار رحمت خدا برسید. ولی هرگز چنین آرزویی نمی‌کنید؛ چون دروغ می‌گویید».^۷ خداوند در ادامه، از آنها به عنوان مال‌دوست‌ترین مردم و حریص‌ترین آنان به زندگی در دنیا نام می‌برد.^۸

قرس از مرگ

در جهان‌بینی اسلامی، مرگ پایان زندگی نیست؛ بلکه مقدمه زندگی در سرای جاویدان است. از این حقیقت به صورت‌های مختلف در سخنان اولیای الهی یاد شده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است و مرگ پلی است که آنان را به بهشت و اینان

۲. شرح غررالحکم، ص ۴۲۴.

۴. مانده: ۱۸.

۶. بقره: ۸۰.

۸. بقره: ۹۶.

۱. نساء: ۱۵۵.

۳. همان، ص ۲۴۶، ش ۶۸۵.

۵. بقره: ۱۱۱.

۷. بقره: ۹۴.

را به دوزخ می‌رساند.^۱ بر این اساس، مؤمن نه تنها از مرگ نمی‌ترسد، بلکه آن را نعمت بزرگی می‌داند که وی را از رنج‌های دنیا نجات داده، به راحتی ابدی می‌رساند. اما افراد غیر مؤمن و گناهکار از مرگ وحشت دارند. ریشه این ترس آن است که اینان به حقیقت مرگ آگاهی ندارند. در نتیجه، مرگ را فنا و نیستی برمی‌شمارند و از آن گریزانند. گروهی دیگر، مرگ را پایان زندگی نمی‌دانند، ولی چون مرتکب کارهای خلاف شده‌اند و می‌دانند مرگ آغاز رسیدن به نتایج شوم اعمال خلاف آنهاست، برای فرار از محاکمه و کیفر اعمال، دوست دارند هر چه بیشتر مرگ را به عقب بیندازند. خداوند در معرفی برخی از قوم یهود که به این دلیل از مرگ گریزان بودند می‌فرماید: «هر یک از آنها دوست دارند هزار سال عمر کنند؛ در حالی که عمر طولانی آنها را از عقاب خداوند باز نخواهد داشت و خداوند به اعمال آنان بیناست».^۲

حق‌ستیزی ممنوع!

یکی از صفات ناپسند که پافشاری بر آن، انسان را گرفتار آتش جهنم و بدبختی ابدی می‌کند، حق‌ستیزی است. قرآن کریم در اشاره به یک مصداق کامل عنادورزی، عملکرد قوم یهود را چنین توصیف می‌کند: «قوم یهود پیش از آمدن اسلام، در تورات بشارت بعثت پیامبر اکرم ﷺ را دریافت کرده بودند و به خود نوید فتح می‌دادند که با کمک پیامبر جدید و مسلمانان بر دشمنان پیروز گردند. با این همه، هنگامی که این کتاب و پیامبری که از قبل شناخته بودند نزد آنان آمد، به او کافر شدند؛ پس لعنت خدا بر کافران باد».^۳ این آیه، برخی از لجاجت‌ها و هواپرستی‌های طایفه‌ای از یهود را مطرح می‌کند که چون آرزو داشتند پیامبر موعود از نژاد آنان باشد، همین که به این آرزو نرسیدند، به رغم تشخیص حق، از روی دشمنی از پذیرفتن آن سرباز زدند و کافر شدند.^۴

گناه، زمینه کفر

توانایی حق‌شناسی انسان، در نتیجه گناه کردن و پیروی از هوا و هوس‌ها از بین می‌رود. قرآن کریم تصریح دارد تا وقتی انسان‌ها از راه انجام گناهان، کارایی قلب خود را که همان تشخیص حقیقت است از دست نداده‌اند، با ژرف اندیشی در آیات قرآن و همین‌طور مطالعه برهان‌های روشنگرانه آن، می‌توانند به صدق دعوت پیامبر اکرم ﷺ پی ببرند و از راه عمل به

۱. بقره: ۹۶.

۲. بقره: ۹۱.

۳. بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۳۴.

۴. بقره: ۸۹.

رهنمودهای او، به نیک‌بختی واقعی در دنیا و آخرت برسند. اما در صورت پیروی از هواهای نفسانی، به گناه آلوده شدند و از راه توبه، به برطرف ساختن آثار گناهان اقدام نکردند. آنها در اثر پافشاری بر گناه، به صفت فسق متصف می‌شوند که این حالت، زمینه کفر را در آنها تقویت می‌کند و هر لحظه بیش از پیش آنها را از جاده هدایت و مدار حقیقت دور می‌سازد. خداوند در آیه‌ای خطاب به رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «همانا نشانه‌های روشنی برای تو فرستادیم و جز افراد فاسق به آنها کفر نمی‌ورزند»^۱.

خطر مقام پرستی

در قرآن کریم، در چندین مورد به خطر بزرگ مقام پرستی اشاره شده است. در یک مورد، ضمن بیان این حقیقت که علم به تنهایی مایه نجات و سعادت نیست، به بیان شیوه برخورد طایفه‌ای از دانشمندان یهود با پیامبر اکرم ﷺ پرداخته، چنین می‌فرماید: «هنگامی که فرستاده‌ای (پیامبر اسلام ﷺ) از سوی خداوند به سراغ آنها آمد، در حالی که او بسیاری از امور را که آنها داشتند تصدیق کرد، گروهی از ایشان به رجم آنکه نشانه‌های او را از پیش می‌دانستند و همچون فرزندان خودشان وی را می‌شناختند، پس از مبعوث شدن آن حضرت، در صدد انکار وی برآمدند و کتاب خدا را پشت سر انداختند؛ گویی اصلاً از آن خبر نداشتند»^۲. آنها احساس کردند که اگر به حقانیت پیامبر اسلام ﷺ اقرار کنند، این کار به قیمت از دست دادن مقام و موقعیت دنیوی آنان تمام خواهد شد. از این رو در اثر مقام پرستی، به انکار پیامبر و کتمان حقانیت قرآن کریم پرداختند. اینان بد معامله‌ای کردند و در حقیقت، غضب و آتش الهی را برای خود خریدند.

۳۵۰۲